

# اطلاعات مختصری در باره اسرائیل و فلسطین

گرد آوری زیر شامل هیچگونه تحلیل یا طرفداری از یکی از دو طرف درگیر در جنگ نیست. صرفاً اطلاعاتی در رابطه جنگ طولانی مدت بین اسرائیل و فلسطینیان می باشد.

## محکوم کردن یک تجاوز

در عرض 45 سال مجمع عمومی سازمان ملل متحد (1947-1992) شصت و چهار قطعنامه در باره عملکرد اسرائیل به مناسبت های مختلف صادر کرده است. محکومیت سازی های مجمع عمومی سازمان ملل متحد دارای هیچگونه ضمانت اجرایی نبوده و نیستند. تنها قطعنامه هایی که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر می شوند دارای ضمانت اجرایی اند، کلیه قطعنامه ای که علیه اسرائیل بوده اند، توسط آمریکا و تو شده اند قطعنامه های زیر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه اسرائیل صادر شده است

- 1- قطعنامه در سال 1947 تقسیم فلسطین و بین المللی اعلام شدن بیت المقدس.
- 2- قطعنامه 101 در سال 1952 حمله اسرائیل به روستای فلسطینی قیبه و کشتن و مجروح ساختن 141 زن و کودک **به شدت محکوم گردید.**
- 3- قطعنامه 106 در سال 1955 حمله هوایی اسرائیل علیه غزه به شدت محکوم شد.
- 4- قطعنامه 111 در سال 1956 حمله هوایی اسرائیل به سوریه و کشتن بیش از 56 نفر **محکوم شد**
- 5- قطعنامه 127 در سال 1958 از اسرائیل خواسته است تا منطقه ممنوعه تشکیل شده در بیت المقدس را ملغی سازد
- 6- قطعنامه 162 در سال 1961 از اسرائیل خواسته شد تا در مقابل قطعنامه های سازمان ملل کرنش نشان دهد.
- 7- قطعنامه 171 در سال 1962 تأیید گردید که اسرائیل در حمله خود علیه سوریه قوانین بین المللی را نقض کرده است
- 8- قطعنامه 228 در سال 1966 اسرائیل بدلیل حمله علیه روستای «المسوع» اردن **محکوم شد.**
- 9- قطعنامه 237 در سال 1967 از اسرائیل خواسته شد تا فلسطینیان به تازگی آورده شده را به خانه و کاشانه هایشان باز گرداند.
- 10- قطعنامه 242 در سال 1967 ضمن اعلام ممنوعیت تحمیل حاکمیت بر مناطق مختلف بوسیله اعمال زور خواستار عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اشغالی شد.
- 11- قطعنامه 248 در سال 1968 حمله وسیع اسرائیل به منطقه الکرامه اردن **محکوم گردید.**
- 12- قطعنامه 250 در سال 1968 از اسرائیل خواسته شد تا مانور نظامی خود را در بیت المقدس اجرا نکند.
- 13- قطعنامه 251 در سال 1968 برپایی مانور نظامی در قدس توسط اسرائیل **محکوم گردید.**
- 14- قطعنامه 252 در سال 1968 اعلام قدس یکپارچه به عنوان پایتختی یهودی **محکومیت**
- 15- قطعنامه 256 در سال 1968 حملات هوایی اسرائیل علیه مناطقی از اردن به عنوان نقض قوانین بین المللی تلقی و **محکوم می گردد.**
- 16- قطعنامه 259 در سال 1968 اسرائیل بدلیل عدم پذیرفتن هیئت سازمان ملل **محکوم گردید.**
- 17- قطعنامه 262 در سال 1969 اسرائیل بدلیل حملات هوایی علیه فرودگاه بیروت **محکومیت**
- 18- قطعنامه 265 در سال 1969 اسرائیل بدلیل حملات هوایی علیه شهر «السلط» اردن **محکوم گردید.**
- 19- قطعنامه 267 در سال 1969 فعالیتهای اسرائیل در تغییر چهره اصلی بیت المقدس محکوم گردید.
- 20- قطعنامه 270 در سال 1969 اسرائیل بدلیل حملات هوایی علیه روستاهای جنوب لبنان. **محکومیت**
- 21- قطعنامه 271 در سال 1969 اسرائیل بدلیل عدم پایبندی به قطعنامه های سازمان ملل در مورد وضعیت قدس. **محکومیت**
- 22- قطعنامه 276 در سال 1970 خواستار عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان شد.
- 23- قطعنامه 279 در سال 1970 حملات اسرائیل علیه لبنان محکوم گردید.
- 24- قطعنامه 285 در سال 1970 خواستار عقب نشینی فوری از لبنان شد.

- 25- قطعنامه 298 در سال 1971 **محکومیت** اسرائیل بدلیل تغییر وضعیت قدس.
- 26- قطعنامه 313 در سال 1972 از اسرائیل خواسته شد تا حملات خود علیه لبنان را متوقف سازد
- 27- قطعنامه 316 در سال 1972 اسرائیل بدلیل حملات مکررش علیه لبنان **محکوم گردید.**
- 28- قطعنامه 317 در سال 1972 اسرائیل بدلیل عدم آزادی شهروندان عربی که در لبنان دستگیر شده‌اند، **محکوم گردید.**
- 29- قطعنامه 332 در سال 1973 حملات مکرر اسرائیل علیه لبنان **محکوم شد.**
- 30- قطعنامه 337 در سال 1973 اسرائیل بدلیل نقض حاکمیت لبنان **محکوم گردید.**
- 31- قطعنامه 338 در سال 1973 خواستار اجرای قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل متحد در رابطه با عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی شد.
- 32- قطعنامه 347 در سال 1974 حملات اسرائیل علیه لبنان محکوم گردید.
- 33- قطعنامه 425 در سال 1978 خواستار عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان شد.
- 34- قطعنامه 427 در سال 1978 خواستار عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان شد.
- 35- قطعنامه 444 در سال 1979 عدم همکاری اسرائیل بانیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد **محکوم گردید.**
- 36- قطعنامه 446 در سال 1979 شهرک سازی اسرائیل محکوم و خواستار پایبندی این رژیم به معاهده ژنو شد.
- 37- قطعنامه 450 در سال 1979 خواستار توقف حملات اسرائیل به لبنان شد.
- 38- قطعنامه 452 در سال 1979 خواستار توقف شهرک سازیهای اسرائیل در فلسطین شد.
- 39- قطعنامه 467 در سال 1980 دخالت نظامی اسرائیل در لبنان به **شدت محکوم شد.**
- 40- قطعنامه 465 در سال 1980 برپایی شهرکهای یهود نشین **محکوم شد.**
- 41- قطعنامه 468 در سال 1980 خواستار لغو حکم اخراج رؤسای شهرداری‌های فلسطینی توسط اسرائیل شد.
- 42- قطعنامه 469 در سال 1980 عدم توجه و اجرای قطعنامه سابق توسط اسرائیل **محکوم شد.**
- 43- قطعنامه 471 در سال 1980 اسرائیل بدلیل عدم پایبندی به معاهده چهارم ژنو **محکوم شد.**
- 44- قطعنامه 476 در سال 1980 **برای چندمین بار تأکید می‌کند** که ادعاهای اسرائیل در قانون اساسی اش در مورد قدس بی اساس و باطل است.
- 45- قطعنامه 478 در سال 1980 موارد ذکر شده در مورد قدس در قانون اساسی اسرائیل
- 46- قطعنامه 484 در سال 1980 صریحاً به شدت از اسرائیل خواسته شد تا رؤسای شهرداری‌های فلسطین تبعید شده را به فلسطین باز گرداند.
- 47- قطعنامه 487 در سال 1981 اسرائیل به دلیل حمله به نیروگاه اتمی عراق **محکوم شد.**
- 48- قطعنامه 497 در سال 1981 اعلام الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل رد شده و از خواسته شد تا فوراً از اسرائیل این تصمیم خود عدول کند.
- 49- قطعنامه 498 در سال 1981 خواستار عقب نشینی اسرائیل از لبنان شد.
- 50- قطعنامه 501 در سال 1982 خواستار توقف حملات اسرائیل علیه لبنان و عقب نشینی نیروهای اسرائیل از آن مناطق شد.
- 51- قطعنامه 509 در سال 1982 خواستار عقب نشینی رژیم صهیونیستی از بیروت و دادن اجازه جهت ورود مواد غذایی به این شهر شد.
- 52- قطعنامه 517 در سال 1982 ضمن درخواست دوباره جهت عقب نشینی اسرائیل از لبنان، اسرائیل را مسؤل پیامدهای عدم اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل دانسته شده است
- 53- قطعنامه 518 در سال 1982 اسرائیل بدلیل عدم همکاری با نیروهای سازمان ملل در لبنان **محکوم شد.**
- 54- قطعنامه 578 در سال 1986 خواستار عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان شد.
- 55- قطعنامه 592 در سال 1986 اقدام نیروهای اسرائیل در قتل چند دانشجوی فلسطینی دانشگاه بیروت **بشدت محکوم گردید.**
- 56- قطعنامه 605 در سال 1987 نقض مکرر حقوق بشر فلسطینی توسط اسرائیل **بشدت محکوم شد.**
- 57- قطعنامه 607 در سال 1988 خواستار پایبندی اسرائیل به معاهده چهارم ژنو و عدم تبعید فلسطینیان شد.
- 58- قطعنامه 608 در سال 1988 نادیده گرفتن قطعنامه‌های سازمان ملل توسط اسرائیل و اخراج شهروندان فلسطینی توسط این رژیم علیرغم قطعنامه مربوطه سازمان ملل، **به شدت محکوم شد.**
- 59- قطعنامه 636 در سال 1989 از اخراج فلسطینیان توسط اسرائیل اظهار تأسف شد.
- 60- قطعنامه 672 در سال 1990 فعالیتهای خشونت آمیز و استفاده از زور توسط اسرائیل علیه فلسطینیان در اورشلیم **محکوم شد.**
- 61- قطعنامه 673 در سال 1990 عدم همکاری اسرائیل با سازمان ملل **محکوم شد.**
- 62- قطعنامه 681 در سال 1990 اسرائیل بدلیل از سرگیری تبعید شهروندان فلسطینی **محکوم شد.**
- 63- قطعنامه 694 در سال 1991 ضمن **محکومیت** درباره اخراج فلسطینیان توسط اسرائیل بر وجوب بازگشت فوری آنها تأکید شد.

- 64- قطعنامه 726 در سال 1992 اسرائیل به دلیل اخراج فلسطینیان به شدت محکوم شد.
- 65- قطعنامه 799 در سال 1992 اسرائیل به دلیل اخراج 413 فلسطینی به شدت محکوم شد.
- قطعنامه‌های مادرید و اسلو توسط اسرائیل به اجرا درنیامورده است.
- قطعنامه های بعد از 1992 را بدست نیاوردم

اگر یک درگیری صرفاً جنبه محلی داشته باشد، کشورهای زیادی علاوه بر رابطه حسنه با متجاوز می توانند آنرا محکوم کنند. این نوع محکوم کردن صرفاً لفظی است و اینکار بدین منظور عملی می شود که بخشهای ذی نفوذی در کشور مربوطه وجود دارد. و برای همدلی با آنها محکوم می کنند. بطور مثال در فرانسه بخشهای زیادی از اعراب وجود دارند که خواهان محکوم سازی اسرائیل توسط فرانسه می باشند. اما ما به ازایی نداریم. یعنی در حقیقت با محکوم نکردن تفاوت زیادی ندارد.

نوع دیگری از محکوم کردن یک دولت وجود دارد که تعدادی از قدرتهای دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل- آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس، چین و آلمان\* دولتی را محکوم می کنند. مثلاً قطعنامه های اخیر شورای امنیت علیه ایران یا در مورد عراق و یا یوگسلاوی... که پاسخی فراتر از محکوم کردن و عملی دارد. بی توجهی به قطعنامه ها به حمله نظامی هم می تواند منجر شود.

\* چند سالی است که آلمان به شورای امنیت وارد شده که بصورت 5 باضافه یک عنوان می شود. بعد از مدتی تبدیل به شش قدرت حق وتو می شود. درست مانند 7 کشور صنعتی باضافه روسیه در حالیکه روسیه از 94 ناظر بود و از 98 عضو بود اما برای آماده سازی افواه عمومی 7 کشور صنعتی باضافه روسیه عنوان می شد و در حال حاضر 8 کشور صنعتی گفته می شود. دستگاه تبلیغات غرب شتری را که بالای بام می برد می داند چگونه آنرا پائین بیاورد. در دهه نود در بوق و کرنا دمید که شوروی، کمونیسم شکست خورد. آنها بدبختند زنانشان مجبور به تن فروشی شده اند، زمستان های سختی سر راه دارند...وو آهسته آهسته گفته می شد هشت کشور ثروتمند و صنعتی دنیا یا جی 8.

## تعداد کشته شدگان و مجروحین فلسطینیان از 1948 تا امضای قرار داد اسلو 1993

تعداد کشته شدگان 269.000 نفر بطور متوسط روزانه 16 نفر کشته شدند  
تعداد مجروحین 186.000 نفر بطور متوسط روزانه 11 نفر مجروح شدند  
تعداد معلولین 161.000 نفر بطور متوسط روزانه 10 نفر معلول شدند  
تعداد آواره گان 2 میلیون نفر  
تعداد کل آواره گان فلسطینی 5.4 میلیون نفر

بکرات و بدون بیان جزئیات می شنویم و می خوانیم اجرا نشدن پیمان اسلو (پایتخت نروژ) سبب این جنگها بین اسرائیل و فلسطینیان می شود. توضیحی در باره قرار دادهای اسلو 1 و 2 و فتح در سال 1964 تشکیل شد. منشور آن در زیر آورده شده است. در سال 1969 یاسر عرفات رهبر فتح می شود. فتح بعد از بیست و چهار سال مبارزه در سال 1988 تصمیم به صلح با اسرائیل می گیرد (همانطور که در پائین خواهید دید این تصمیم، تصمیم دو سوم فتح بوده است) و طی یک دوره سه ساله در مادرید در 1991.10.30 (9.8.1370) طرف های ذی نفع اولین گفتگوهای صلح را انجام می دهند. این گفتگو ها منجر به امضای صلح بین ابو مازن (محمود عباس) و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل می شود. این مذاکرات در 7 ماه قبل از امضای سند کاملاً محرمانه بود و هیچ خبرنگاری در نشست ها اجازه شرکت نداشت. این قرار داد صلح به قرار داد صلح اسلو 1 معروف شده است: زمین در برابر صلح، خودگردانی محدود فلسطینی ها در کرانه رود غربی و غزه 13.9.1993 (22.6.1372). هشت ماه بعد قرارداد اسلو 2 در 4.5.1994 (15.2.1373) پیمان غزه - اریحا بین دو طرف امضا شد. (اریحا یا جریکو در منطقه کرانه غربی رود اردن می باشد).

مسائل عمده ای که در سازش بین دو طرف مد نظر قرار گرفت:

- 1- آب
- 2- تعیین حدود مرزی
- 3- مسئله آوارگان
- 4- اسکان یافتگان اسرائیلی در کرانه غربی رود اردن و غزه

- 5- مسئله تکلیف شهر بیت المقدس که سازمان ملل آنرا متعلق به تمام ادیان تعریف کرده است. اما اسرائیل آنرا پایتخت خود می داند و حاضر به مذاکره در باره آن نمی باشد.
- طبق قراردادهای اسلو 1 و 2 قرار بر این بود که تا سال 1998 اسرائیل از سرزمین های اشغالی بیرون رود و اداره فلسطین را به فتح بسپارد. اما در سال 1995 اسحاق رابین پراگماتیک توسط آرمانگرایان ( اسرائیل سرزمین موعود) ترور شد و در انتخابات سال 1996 نیم بیشتر مردم اسرائیل با رای دادن به ناتان یاهو مخالفت خود را با صلح با فلسطینیان نشان دادند. شعار ناتان یاهو از حزب لیکود: حق ملت یهود در ارض موعود ابدی و غیر قابل بحث است.
- شعار اول دولت اسرائیل ( اسحاق شامیر) : صلح در برابر صلح ، زمینی پس داده نمی شد.
- شعار بعد دولت اسرائیل اسحاق رابین: صلح در برابر زمین که منجر به گفتگو سپس مذاکره مادرید و صلح اسلو شد.
- در تاریخ 20.1.96 (1.11.74) یاسر عرفات اولین رئیس جمهور حکومت خودگردان فلسطین می شود. در این تاریخ همچنین شورای حکومت خودگردان هم انتخاب می شود.
- با روی کار آمدن ناتان یاهوسیاست های زیر در مغایرت با طرح صلح اسلو انجام شده است 1996:
- 1- کسترش شهرک های یهودی نشین
  - 2- حفظ تمام بیت المقدس بعنوان پایتخت
  - 3- عدم مذاکره در باره شهر خلیل و تخلیه نکردن آن آخرین شهر از هفت شهری که باید به فلسطینیان تحویل داده می شد.
  - 4- عدم قبول تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی و ادامه حضور نیروهای امنیتی و ارتشی اسرائیل در دهکده هاو آبادی های فلسطینی

### مناطق عمده از لحاظ انبوه جمعیت

مناطق	جمعیت
۴۰۰۰۰	البیره
۳۴,۴۷۲	بیتار ایلیت
۳۰۰۰۰	بیت لحم
۴۰۰۰۰	گاش اتریون
۱۲۰۰۰۰	هبرون
۲۵۰۰۰	اریحا
۴۰۰۰۰۰	اورشلیم شرقی
۴۷۰۰۰	جنین
۳۱,۷۰۰	معاله آدومیم
۳۴,۵۱۴	مودیین الیت
۱۳۵,۰۰۰	نابلس
۴۰۰۰۰	قلقیلیه
۶۰۰۰۰	رام الله
۷۵۰۰۰	طولكرم
۴۲۰۰۰	یاتاه
۱۶,۹۰۰	آریل



### فلسطین- کرانه غربی رود اردن (وست بنک)

پس از شکست نیروهای امپراتوری عثمانی از بریتانیا در جنگ اول جهانی، دولت وقت بریتانیا در 25 آوریل 1920 کنترل کرانه باختری را همراه دیگر سرزمین های فلسطین عهده گرفت و با تشکیل یک سیستم حکومتی تحت عنوان قیمومیت بریتانیا در فلسطین به کنترل کرانه باختری و دیگر سرزمین های فلسطین پرداخت. پس از تاسیس اسرائیل در 1948 در بخشی از سرزمین های تحت قیمومیت بریتانیا و تصرف نوار غزه ، پیمان صلح موقت 1949 میان اسرائیل، مصر، اردن، سوریه و لبنان به امضاء رسید که بنابر مفاد آن مرزهای اسرائیل و فلسطین مشخص شده و کرانه

باختری تحت کنترل اردن قرار داشت. پس از 19 سال در 1967 در جنگ 6 روزه کرانه باختری رود اردن بتصرف اسرائیل درآمد.

## نوار غزه



حدود یک میلیون و پانصد هزار فلسطینی در نوار غزه زندگی می کنند. بیشتر این فلسطینیان را اعراب پناهنده ای تشکیل می دهند که در طول جنگ اعراب و اسرائیل در 1948 از اسرائیل خارج شدند. تا سال 1967 جمعیت غزه پب برابر شد و از آن زمان این جمعیت همواره در حال رشد است. فقر، بیکاری و شرایط نامساعد زندگی در این منطقه به وفور بچشم می خورد و دلایل این وضعیت به نرخ بسیار بالای تولد، آسیب دیدن اقتصاد منطقه در منطقه در نتیجه بسته شدن های آن توسط اسرائیل پس از انتفاضه اول (1978) و سیاست های تشکیلات خودگردان فلسطین بر می گردد. از دهه 1970 به بعد شهرک یهودی نشین در حوالی نوار غزه احداث شد، اما این شهرکها در اوت 2005 تخلیه شد. بیش از 99% از ساکنان نوار غزه مسلمان سنی و حدود 1% مسیحیان فلسطینی تشکیل می دهند.

رشد جمعیت	8.2%
نرخ زاد ولد	8.3 در هر هزار نفر
نرخ مرگ و میر	2.3 در هر هزار نفر
میانگین باروری	7.4 تولد برای هر زن
مرگ و میر کودکان	3.21 مرگ در هزار
نرخ خالص مهاجرت	54.1 مثبت در 100 هزار



از شرایط صلح این بود که آن موادی که در منشور ملی فلسطین خواهان سرنگونی اسرائیل است از آن حذف شوند. در زیر این چنین موادی با رنگ زرد مشخص شده اند.

## منشور ملی فلسطین

**ماده 1-** فلسطین کشور خلق عرب فلسطینی می باشد و جزیی از وطن بزرگ عربی است و از آنها جدا نمی شود و خلق فلسطین جزئی از امت عربی است.

**ماده 2-** مرزهای فلسطین، همان مرزهایی است که در زمان قیمومیت بریتانیا وجود داشته و منطقه ای تجزیه ناشدنی است.

**ماده 3-** خلق عرب فلسطینی دارای حق قانونی در وطنش می باشد و خط مشی خود را طبق اراده و اختیار خود تعیین می کند.

**ماده 4-** فرد فلسطینی دارای یک شخصیت فلسطینی الاصل می باشد که از بین رفتنی نیست و از پدران به فرزندان منتقل می شود و اشغالگری صهیونیستها و آوراگی ملت فلسطین نتیجه توطئه و فلاکتهایی است که بسر او آوردند این امر هرگز باعث از بین رفتن جو شخصیت فلسطینش نخواهد شد.

**ماده 5-** فلسطینی ها هوطنان عربی هستند که در سال 1947 در سرزمین فلسطین اقامت داشتند چه آنهایی که پس از سال 1947 از فلسطین اخراج شدند و چه آنهایی که باقی ماندند. هر فردی که از پدر فلسطینی بعد از این تاریخ در داخل و خارج از فلسطین متولد شود فرد فلسطینی محسوب می شود.

**ماده 6-** یهودیانی که تا قبل از اشغال فلسطین توسط صهیونیسم در فلسطین بودند، فلسطینی محسوب شوند.

**ماده 7-** گرایش و جهت دادن فلسطینی به این حقیقت مسلم است که از نظر مادی- و معنوی و تاریخی به فلسطین تعلق دارد و باید در این راه روشهای مناسب را برای آگاه کردن او به مسئله فلسطین بعنوان وطش از کلیه جهات (مادی- معنوی) بطور ریشه ای و نیز آماده ساختن وی برای مبارزه مسلحانه و دادن قربانی برای امید و آرزویش که آزادی و استرداد فلسطین می باشد، بکار گرفت و آن را بعنوان یک وظیفه ملی معرفی کرد.

**ماده 8-** خلق فلسطین در مرحله ای زندگی می کند که مرحله مبارزلی برای آزادی فلسطین است تضاد های

گروهی بین نیروهای ملی از نوع تضادهای ثانوی است و باید متوقف شود و کلیه نیروها باید در جهت تضاد اساسی که بین صهیونیسم و استعمار با خلق فلسطین است قرار گیرد و بر این اساس توده های فلسطینی و سازمانها و افراد داخل و خارج از فلسطین باید در جبهه واحد ملی سازماندهی شود تا از راه نبرد مسلحانه فلسطین را آزاد کنند.



**ماده 9-** مبارزه مسلحانه تنها راه آزادی فلسطین است و این امر تاکتیکی نیست بلکه استراتژیک است تصمیم ثابت و بازگشت به آن و دفاع از حق طبیعی اش و در دست داشتن حق تعیین سرنوشت در آن را خلق عرب فلسطین را در ادامه مبارزه مسلحانه ملی برای آزادی و وطنش نشان می دهد.

**ماده 10-** جنگ آزادی بخش ملی بر اساس عملیات چریکی استوار است و این مل باعث رشد و توسعه و حمایت آن و آماده سازی تمامی نیروهای توده ای و فکری و سازمانهای فلسطینی و دخالت مردم در انقلاب مسلحانه فلسطین و به تحقق رساندن مبارزه ملی بین گروههای خلق طین و ملل عرب می باشد تا ضمانتی برای استمرار انقلاب و توسعه و پیروزی آن شود.

**ماده 11-** فلسطین همواره سه شعار را برگزیده است: وحدت ملی- آماده سازی ملی - آزاد سازی

**ماده 12-** خلق عرب فلسطین به وحدت عربی اعتقاد دارد و در تلاش برای تحقق آن می باشد و بر آن است که در این مرحله از مبارزه ملی اش شخصیت فلسطینی اش را حفظ کند. نسبت با آن آگاهی یابد و در مقابل هر چیزی که باعث تضعیف شخصیت فلسطینی او می شود ایستادگی می کند.

**ماده 13-** وحدت عربی و آزادی فلسطین دو هدفی است که مورد تعقیب ماست که هر یک مکمل دیگری است. وحدت عربی باعث آزادی فلسطین و آزادی فلسطین باعث وحدت عربی است و باید برای یابی به آن در هر دو جبهه کار کرد.

**ماده 14-** وجود امت عرب و ایسته به قضیه فلسطین است کوشش امت عربی برای آزادی و بر پایی خلق فلسطین نقش پیشگامی اش برای تحقق این هدف ملی مقدس، این جا سرچشمه می گیرد.

**ماده 15-** آزادی فلسطین از نظر عربی وظیفه ای ملی است که تمامی اعراب در مقابل جنگ صهیونیسم و امپریالیسم در وطن پهناور عربی ایستادگی کنند و وجود صهیونیستها را از فلسطین پاک کنند. مسئولیت اصلی آزاد فلسطین بر عهده ملت های عرب و حکومت آنان و در پیشاپیش آن ملت فلسطین قرار دارد و برای به انجام رساندن آن بر ملت های عرب لازم است که توانایی های نظامی، مادی معنوی و انسانی خود را فعالانه برای آزادی فلسطین وارد صحنه کارزار سازند و بر ملت عرب لازم است که در مرحله انقلاب مسلحانه فلسطین تمامی سعی و کوشش خود را در جهت استمرار نقش پیش گامی ملت فلسطین در ادامه انقلاب مسلحانه تا آزادی و وطنش مبدول دارد.

**ماده 16-** آزادی فلسطین، از نظر معنوی جوی از امنیت خاطر که در سایه تمام مقدسات دینی بدست می آید، فراهم می سازد و آزادی عبادت و زیارت برای تمام فرقه ها تامین می کند و مسئله نژاد و رنگ و زبان و دین خاص مطرح نیست. برای دن به این هدف خلق فلسطین از تمامی نیرو های معنوی جهان کمک می طلبد.

**ماده 17-** آزادی فلسطین از نظر انسانیت، کرامت و عزت آزادی را به انسان فلسطینی عطا می کند بدین جهت ملت عرب فلسطین خواستار آنست که مومنین به کرامت و انسانیت و آزادی در جهان از ملت فلسطین حمایت کنند.

**ماده 18-** آزادی فلسطین از نظر جهانی عملی دفاعی است و آن از ضروریات دفاعی هر شخص است. بخاطر ضرورت دفاع از خویش، ملت فلسطین خواستار تأیید تمام دول جهان و دوستدار آزادی و عدالت است تا حاکمیت قانونی و ایجاد امنیت و صلح در سایه فلسطین بدست آورند و در تلاش این باشند تا مردم فلسطین سیادت و آزادی ملی را تجربه کنند.

**ماده 19-** تقسیم فلسطین که در سال 1947 انجام شد و اساس اسرائیل را بنا حق بنیان گع داشت مدت زمانی را در تضاد با اراده ملی فلسطین و حق طبیعی اش و تضادی با متن پیمان مجمع عمومی سازمان ملل متحد که مقدم بر همه حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین است ایجاد کرده است.

**ماده 20-** آنچه در وعده بالفور آمده و رابطه تاریخی بین یهود فلسطین را مطرح کرده است با حقایق تاریخی و اساس یک دولت با مفهوم صحیحش مغایرت دارد و دین یهود دینی آسمانی است نه قومی دارای وجود مستقل. و یهود ملتی واحد و دارای شخصیت مستقل نیست بلکه هموطنانی هستند در کشورهایی که در آن زندگی می کنند.

**ماده 21-** خلق عرب فلسطینی با تکیه بر انقلاب مسلحانه فلسطین، هر راه حل دیگری را برای آزادی فلسطین رد می کند و تمام طرحهای سازشکارانه و موهوم برای تصفیه فلسطین و بازی دادن فلسطین را نمی پذیرد.

**ماده 22-** صهیونیسم حرکتی سیاسی است که ارتباطی کامل با امپریالیسم جهانی دارد و دشمن تمام جنبشهای پیشرو و آزادی بخش جهان می باشد و حرکتی متعصبانه و نژاد پرستانه و توسعه طلبانه و اشغالگر در سرزمین های اشغالی است و برای این هدف ها از روشهای فاشیستی نازیسم استفاده می کنند. اسرائیل وسیله ای برای حرکت صهیونیستی است و پایگاه جغرافیایی و انسانی برای امپریالیسم در قلب کشورهای عربی است تا از حرکت های آزادی بخش و وحدت پیشگامان آزادی جلوگیری به عمل آورد. اسرائیل پایگاهی است که صلح و آرامش در خاورمیانه و جهان به هم می ریزد. بنابراین با آزادی فلسطین و چیرگی بر صهیونیسم و امپریالیسم خود بخود صلح و آرامش در خاورمیانه برقرار می گردد بدین جهت ملت فلسطین تمام آزادگان جهان و نیروهای نیکوکار و پیشرو را بمی طلبد و با تمام اختلافی که در امیال و جهت گیریهایشان وجود

**دارد انتظار دارد که دست از کمک و تائید مبارزه عادلانه و قانونی آزادی بخش مردم فلسطین نکشید و به آن کمک کنند.**

- ماده 23-** حق و عدل و صلح و امنیت از دولتهای خواهد که روابط دوستانه بین ملتها و بقای مردم در سرزمینهایشان بر پا شود و چون صهیونیستها حرکتی غیر قانونی و بر خلاف این حقیقت است پس وجود و فعالیت آن باید تحریم شود.
- ماده 24-** خلق عرب فلسطین به مبادی عدل و آزادی و سیادت و تعیین سرنوشت و کرامت انسانی و حق ملتها در بدست آوردن آنها، برسمیت می شناسند و به آن احترام می گذارد.
- ماده 25-** برای به تحقق رساندن اهداف و مبادی این منشور، سازمان آزادی بخش فلسطین نقش کامل خود را در آزادی فلسطین بعهده می گیرد.
- ماده 26-** سازمان آزادی بخش فلسطین نماینده نیروهای انقلابی و مسئول حرکت خلق فلسطین در مبارزه شان بخاطر باز پس گیری وطنشان و بازگشت به آن و تعیین حق سرنوشت در تمام زمینه ها ( نظامی، سیاسی و مالی) و آنچه قضیه فلسطین برای رشد در سطح جهان و اعراب لازم داشته باشد، می باشد
- ماده 27-** سازمان آزادی بخش فلسطین با امکاناتش در کنار تمام دولتهای عربی قرار گرفته است و در سایه حرکت آزادی بخش، بی طرفی خود نسبت به این دولتها حفظ کرده، در امور داخلی هیچ دولت عربی دخالت نخواهد کرد.
- ماده 28-** خلق فلسطین اصالت انقلاب ملی اش را حفظ کرده و بر آن تاکید دارد و از هرگونه دخالت و زیر نفوذ بودن و وابستگی بدور است.
- ماده 29-** این حق خلق عرب فلسطین است که در آزاد سازی وطنش و استرداد آن و مشخص کردن کشورش نسبت به تمام دولتها و نیروها و بر اساس مواضعش و مدت زمان ادامه این مواضع در انقلابش و به تحقق رساندن اهدافش کوشا باشد.
- ماده 30-** مبارزان و حاملان سلاح در نبرد آزادی، هسته مرکزی ارتش ملی را، که می تواند اهداف خلق عرب فلسطین را جامه عمل بپوشاند.
- ماده 31-** این سازمان دارای پرچم و سوگند نامه و سرود می باشد که سایه نظام و قوانین خاصی راجع به آنها تضمین گیری می شود.
- ماده 32-** به این منشور نظامنامه ای ملحق که به اسم اساسنامه سازمان آزادی بخش فلسطین معروف است. این اساسنامه کیفیت تشکیل سازمان و هئیت ها و موسسات وابسته به آن را مشخص می کند و تمام وظائف و مسئولیتهایی که بر عهده سازمان آزادی بخش فلسطین است بر اساس این اساسنامه می باشد.
- ماده 33-** این منشور تغییر نمی یابد مگر با اکثریت دو سوم مجموع اعضای مجلس شورای ملی سازمان آزادی بخش فلسطین در جلسه ای خاص که به همین منظور برگزار شود.

#### مقایسه نیروهای نظامی اسرائیل و حماس:

اسرائیل 150.000 سرباز حماس 8000 سرباز (یورو نیوز) 15000 سرباز (سی ان ان)

اسرائیل 3000 تانک حماس -  
اسرائیل 750 هلیکوپتر حماس -  
اسرائیل نیم میلیون نیروی ذخیره

در حال حاضر نیروهای نظامی تقریباً 50 کشور از جمله روسیه، انگلیس، آمریکا، چین، کلمبیا، اکوادور... از سلاحها و تجهیزات نظامی اسرائیل استفاده می کنند. تولیدات نظامی یکی از مهمترین و حیاتی ترین بخشهای اقتصادی اسرائیل می باشد. کسب درآمد از این شاخه اقتصادی برای تامین منافع سیاسی و استراتژیکی اسرائیل می باشد.

#### صادرات اسلحه اسرائیل

دهه 60	سالانه 50 میلیون دلار
نیمه اول دهه 70	سالانه 100 میلیون دلار
سال 76	200 میلیون دلار
سال 77	320 میلیون دلار
سال 79	600 میلیون دلار
سال 80	750 میلیون دلار
سال 81	بیش از 1000 میلیون دلار
سال 82	1250 میلیون دلار
تا آخر دهه 80	1000 تا 2000 میلیون دلار



برغم آنکه سالهاست چین و اسرائیل وجود هرگونه همکاری نظامی را تکذیب می کند. اما اطلاعاتی حاکی از آنست که از اوائل دهه 80 رابطه سری وجود دارد. با اینکه همکاری نظامی اسرائیل و چین رسماً اعلام نشده است، اما ارزش این همکاری در دهه 80 بالغ بر میلیارد ها دلار می رسد.  
منبع: الوسط شماره 239 بنقل از اطلاعات شماره 20905 سپتامبر 1996

یکی از تامین کنندگان اسلحه حماس چین می باشد: به نقل از خبرگزاری الجزیره 30.12.2008

با توجه به اینکه اهالی غزه در محاصره زمینی و دریایی اسرائیل قرار گرفته اند و مرز مشترک با مصر هم بسته است 25. November 2005، آنها مجبور شده اند با حفر تونل هایی در قسمت مرز مشترک با مصر مایحتاج خود را تهیه کنند. (حفر تونل ها از سال 1982 آغاز شده و ممر درآمد برای قاچاقچیان بوده است) تا کنون 750 تونل حفر شده است. این تونل ها در عمق 15 تا سی متری زمین قرار گرفته اند. اسرائیل 40 عدد از آنها شناسایی و منهدم ساخته است. کمک های مالی جمهوری اسلامی و سوریه و وجود بیش از 60% بیکاری در نوار غزه امکان حفر این تونل ها را میسر ساخته است. تا کنون تعداد زیادی از این بیکاران در جریان حفر تونلها کشته شده اند (82 نفر در سال 2007 و 2008 در این راه کشته شده اند). قطر هر تونل حدود یک متر و طول آن ها بین 800 تا 1400 متر می باشد. هزینه حفر هر تونل 100 هزار دلار می باشد. حماس 2000 دلار (یا 10% از ارزش کالاها) را از دارندگان این تونل ها مالیات می گیرد. گاو، شتر، گوسفند، دارو، اسلحه و مهمات... از طریق این تونل ها منتقل می شوند. در این شرایط جنگی کارایی پول هم بخوبی بچشم می خورد، کسی که ندارد نباید بخورد.

حماس ورود و فروش اسلحه را ممنوع کرده است. اما یک کلاشنیکف را می توان با 500 دلار خریداری کرد. کلیه اسلحه ها و مهمات مورد نیاز توسط حماس تهیه می شود.

نه تنها اسرائیلی ها بدنبال ویران کردن تونلها هستند، بلکه مامورین مصری هم با یافتن تونلها یا آنها را منفجر می کنند یا آب وارد آنها می کنند یا گازهای سمی بدون تونلها می فرستند. اگر خبر نگاری بخواهد تونلها را به بیند، از غزه با چشم بسته بسمت مرز با مصر آورده می شود؛ تا محل تونلها لو نروند. تجارتي که از سال 1982 آغاز شده است. در این سوداگری همه چیز قاچاق می شود برای ورود یا خروج یک نفر 3000 یورو هزینه در بر دارد.

### شناسایی فرآیندهای حقوق فلسطینیها از سوی مجمع عمومی

توجه بین المللی به مسئله فلسطین در دهه های 1950 و اوایل دهه 1960 بیشتر معطوف به موضوع آوارگان و درگیریهای بین دولتی بود. اما پس از جنگ 1967، مسئله فلسطینیها در بستر سیاسی گستردهتری مورد توجه قرار گرفت. فلسطینیها فعالیت برای دستیابی به حقوق ملی خود را دوباره احیا کردند و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) که در سال 1964 تأسیس شده بود، در سال 1968 منشور ملی جدیدی را ارائه کرد. این سند اشعار می داشت جامعه بین المللی در ایفای مسئولیت خود در قبال فلسطین شکست خورده و لذا نبرد برای استیفای حقوق فلسطینیها باید تداوم پیدا کند.

### گنجاندن مجدد مسئله فلسطین در برنامه کاری مجمع عمومی، 1974

مجمع عمومی در دسامبر 1969 پذیرفت که مسئله آوارگان عرب فلسطینی ریشه در انکار حقوق مسلم آنان طبق منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد. 56 دولت عضو در سپتامبر 1974 پیشنهاد کردند مسئله فلسطین به عنوان موضوع در برنامه کاری مجمع عمومی گنجانده شود. آنها اشاره کردند مسئله فلسطین و سرنوشت و وضعیت مردم فلسطین بیش از 20 سال است که به عنوان موضوعی مستقل و جداگانه در برنامه کاری مجمع قرار نگرفته است. پیشنهاد این عده پذیرفته شد و از آن پس مسئله فلسطین دوباره بخشی از برنامه کاری مجمع عمومی شد.

مجمع عمومی در قطعنامه 22 نوامبر 1974 مجدداً حقوق انکار ناپذیر مردم فلسطین را مورد تأیید قرار داد که این حقوق شامل حق خودمختاری بدون دخالت خارجی، حق استقلال ملی و حاکمیت و حق بازگشت به خانه و در اختیار گرفتن داراییها می شد. از آن زمان به بعد، هر ساله حقوق مردم فلسطین دوباره مورد تأیید مجمع عمومی قرار گرفته است.

## عضویت ناظر ساف، 1974

همچنین مجمع عمومی در سال 1974 در روند اعطای مقام ناظر به ساف از این سازمان دعوت کرد به عنوان نماینده مردم فلسطین در جلسات مجمع مشارکت کند. بعدها، مقام ناظر بودن ساف در تمام ارگانهای سازمان ملل گسترش یافت.

سپس، مجمع عمومی در قطعنامه 43/177 به تاریخ 15 دسامبر 1988، بیانیه اعلام تشکیل دولت فلسطینی از سوی شورای ملی فلسطین را به رسمیت شناخت. مجمع عمومی نیاز به توانمند کردن مردم فلسطین جهت اعمال حاکمیت بر سرزمینهای اشغالی از سال 1967 به بعد را مجدداً تأیید کرد. مجمع عمومی همچنین تصویب کرد از این به بعد در نظام سازمان ملل به جای عنوان سازمان آزادیبخش فلسطین از عنوان فلسطین استفاده شود و از هر نوع تعصب نسبت به عضویت ناظری و کارکرد سازمان آزادیبخش فلسطین در نظام سازمان ملل اجتناب شود.

10 سال بعد در سال 1998، مجمع عمومی در قطعنامه 52/250 مورخه 7 ژوئیه، تصمیم گرفت علاوه بر موقعیت ناظری، حقوق و امتیازات دیگری از جمله مشارکت در جلسات و برنامه کاری مجمع عمومی و نیز کنفرانسهای بین‌المللی و سازمان ملل را به فلسطین اعطا کند.

## ایجاد کمیته حقوق فلسطینی، 1975

کمیته اجرای حقوق انکار ناپذیر مردم فلسطین که به عنوان کمیته حقوق فلسطینی نیز شناخته شده است، در سال 1975 از سوی مجمع عمومی تأسیس شد. از این کمیته خواسته شد برنامه‌ای جهت قادر کردن فلسطینی‌ها به استیفای حقوق انکار ناپذیرشان ارائه کند. کمیته مزبور در سال 1976، دو نوع توصیه ارائه کرد، نخست در رابطه با حقوق فلسطینی‌ها برای بازگشت به سرزمین و خانه‌ها و باز پس گرفتن اموالشان بود و دوم، حقوق آنها در کسب استقلال و حاکمیت ملی.

شورای امنیت این توصیه‌ها را مورد بحث قرار داد، اما به خاطر رأی منفی ایالات متحده، به عنوان عضو دائمی شورای امنیت، نتوانست تصمیمی در این مورد اتخاذ کند. شورای امنیت موضوع را در موقعیتهای مختلف مورد بررسی قرار داد. ولی هر بار بدون تصمیم‌گیری آن را به وقت دیگر موکول کرد. اما مجمع در سال 1976 و سالهای پس از آن این توصیه‌ها را مورد تأیید قرار داد. مجمع همچنین از کمیته خواست موضوع فلسطین را زیر نظر داشته و گزارشها و توصیه‌هایی در این مورد به دبیرکل یا شورای امنیت ارائه دهد. همچنین، کمیته مأموریت یافت به وسیله سازمانهای غیردولتی و دیگر ابزارهای مناسب بیشترین اطلاع‌رسانی را در مورد توصیه‌های خود انجام دهد.

کمیته طی دهه 1980 و 1990 با عنایت به حقوق فلسطینی‌ها از این شرایط پیروی کرد و یافته‌های خود را در اختیار مجمع عمومی و شورای امنیت قرار داد. سمپوزیومها، کنفرانسها و دیگر فعالیتهای این کمیته به افزایش آگاهی در مورد مسئله فلسطین در سطح بین‌المللی کمک کرد و کانون تلاشهای خود را دستیابی به راه حلی صلح‌آمیز مبتنی بر استیفای حقوق حقه مردم فلسطین قرار داد.